

آزادی سیاسی در اسلام

علی (ع): ملت خیر خواه دولت نخواهد بود ، مگر آنکه دولتشان باری سنگین بردوش آنان نباشد !

اسلام، آزادی سیاسی را مانند آزادیهای دیگر خیلی عمیقتر و وسیعتر از رژیم دموکراسی مطرح کرده است . در منطق اسلام انسان آزاد و مختار آفریده شده است ، انسان بگونه‌ای خلق شده است که باید تصمیم بگیرد و نیک و بد را بشناسد و دستور دارد که از آنچه نمی‌داند پیروی نکند .

از نشانه‌های آزادی و اختیار این است که انسان، نصیبی جز آنکه هست آورده، ندارد (لیس للانسان الاماسعی) (۱)

انسانی که قرآن معرفی می‌کند «خلیقه الله» در روی زمین است . خداوند در قرآن

انسان مظهر حکومت خداوند بر زمین گفتیم آزادی سیاسی ما در اصل تمام آزادیهاست . آزادی سیاسی از حقوق طبیعی هر انسان است که به موجب آن افراد می‌توانند در سر نوشت خود دخالت نمایند و دارای حق حاکمیت باشند این حاکمیت را گاهی مستقیماً و گاهی از راه انتخابات صورت میدهند و لذا آزادی سیاسی را از شرایط اساسی رژیم دموکراسی دانسته‌اند .

(۱) النجم ۳۹

میفرماید: « انی جاعل فی الارض خلیفه » (۱) و در پاسخ فرشتگان که بیم داشتند مبادا فساد و خونریزی در زمین بر پا شود، می‌فرماید: من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

مقصود از خلافت این است که انسان مظهر حکومت خداوند بر زمین باشد. در این آیه خداوند به افراد بشر حاکمیت داده تا حاکم سرنوشت خود باشند و کسی را بر کس دیگر هیچ نوع سلطه‌ای نیست. به موجب این حکم در جامعه اسلامی هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد، اصل عدم ولایت بر دیگری است. این اصل، تسلط یعنی ولایت هر فرد را نسبت به فرد دیگر نفی میکند از آثار مهم این اصل عدم ولایت افراد جامعه بر یکدیگر است، مگر در موارد محدودی که دلیل صحیح و قطعی برای ولایت وجود داشته باشد. و طبق توصیه فقهاء و حقوقدانان اسلامی، در هر موردی کمتر تردیدی در اصل ولایت یا حدود آن باشد، قدر متیقن ولایت را باید در نظر گرفت.

اصالت فرد در اسلام

در تعالیم اسلام هم فرد اصالت دارد و هم اجتماع. اسلام انسان را حامل بار امانت تکلیف می‌داند که آسمانها و زمین و کوهها از حمل آن سرباز زدند. (انا عرضنا الامانة علی السموات والارض

والجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان) (۲) و این نیرویی است فقط در انسان دیده میشود که بیاری آن میتواند اراده کند و تصمیم بگیرد و سر-نوشت خود را بسازد و درباره جهان و آفرینش و آغاز و انجام زندگی خویش به تفکر و تدبیر پردازد و بهمین دلیل بیشتر خطابه‌های قرآن به توده مردم و مؤمنان است. این گونه خطابه‌ها و دلایل دیگر نیز نشان میدهد که خلافت به نوع انسان واگذار شده و همه، به عنوان امانتدار خدا و خلیفه او، در حاکمیت نیابتی شریک هستند.

اصالت جامعه در اسلام

بدنبال اصالت فرد، مسئله اصالت جامعه مطرح میشود در اسلام جامعه انسانی، خواه بصورت کوچک باشد یا بزرگ، يك واقعیتی است و همچون فرد برای خود تکالیف و وظایفی دارد: جهاد با دشمنان و دفاع از مرزها و تنظیم روابط مردم و ایجاد نظم و امنیت در شهرها، تکلیف و وظیفه اجتماع است، اجتماع هم بدون تشکیل حکومت، به انجام این وظائف قادر نخواهد بود. از این جهت به خاطر تحقق بخشیدن به دستورها و اجتماعی، تشکیل دولت لازم و ضرور است و گرنه احکام اجتماعی اسلام تعطیل می‌گردد. از جمع این دو اصل (در جامعه اسلامی

(۱) سوره بقره آیه ۳۰ (۲) سوره احزاب ۷۲

هیچکس بر دیگری سلطه و ولایت ندارد و ایجاد نظم و حفظ نظام بدون تشکیل حکومت ممکن نیست) به این نتیجه می‌رسیم که تسلط هر فردی یا گروهی بر مردم باید به اذن و خواست خود آنان صورت بگیرد و دولت را باید خود مردم برگزینند زیرا حکومت ذاتاً متعلق به خداست و از طرف او اجرای احکام و استقرار عدل و قسط بر عهده «ناس» قرار گرفته است. یعنی این مسئولیت بدون واسطه بر عهده «امت و ناس» است که آنان نیز با رضایت و اختیار خود جهت انجام این نوع وظائف حاکم و دولتی را انتخاب می‌کنند.

به این معنی که: در اسلام فرد و اجتماع مسئولیت متقابل دارند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیه» همه شما شبان و سرپرست هستید و هر سرپرستی مسئول رعیت خویش است: «من أصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» کسی که صبح کند ولی در فکر مسلمانان نباشد او مسلمان نیست «آیا چگونه همه مسلمانان می‌توانند سرپرست یکدیگر و مسئول دیگران باشند؟ آهایمی توان گفت: کسیکه هیچ اختیاری در دولت ندارد، مسئول جامعه اسلامی و افراد مسلمان است!؟

در حکومت اسلامی منبع قدرت

ملت است

در حکومت اسلامی، حاکم و دولت منبع قدرت نیست بلکه سرچشمه قدرت در حکومت اسلامی خود ملت و اراده خود آنان است. در سیستم حکومتی اسلام، حاکم و یا خلیفه در فرمانروائی اصیل نیست. امانتداری است که در عین حکمرانی، فرمانبر است و نمی‌تواند از هدف و مصلحتی که منشاء قدرت تعیین کرده است، منحرف شود، اقتدارش تازمانی مشروع است که در همان مسیر خدا و مصلحت خلق گام بردارد و از امانت سوء استفاده نکند. بنابراین در حکومت اسلامی، حکومت بر اساس قدرت و زور نیست بلکه بر اساس اختیاراتی است که افراد جامعه به دستگاه مسئول حکومت داده‌اند.

از اینجاست که رهبر عالیقدر اسلام حضرت علی (ع) تنها آن قدرت و دستگاهی را برسمیت می‌شناسد که نماینده و سمبل اراده ملت و توده مردم باشد و در این باره بطور صریح فرموده است: «الزموا السواد الاعظم فسان ینسأله مع الجماعه» (۱) باتوده عظیم مردم باشید زیرا که دست خداوند همراه جماعت است و نیز در باره اداره کنندگان دستگاه دولتی می‌فرماید: «فانکم خزائن الرعیه، و وکلاء الامه» (۲) زیرا شما خزانه-

(۱) نهج البلاغه خطبه ۱۲۵ بترتیب جدیدی

۲ نهج البلاغه - قسمت نامه‌ها - نامه شماره ۵۱

داران رعیت و وکیل‌های ملت هستید.

در حقیقت آنان خادمان ملت و اداره کنندگان کارهای آنان و محافظ و نگهبان اموال و حقوق توده بشمار میروند و هیچ مرتبتی نسبت به مردم ندارند.

در حکومت اسلامی، مفهوم وجودی دولت چیزی جز نشان دهنده اراده عمومی عمومی ملت نیست، پس اگر اداره کنندگان کشور به صلاح جامعه و مردم اقدام کردند در پستهای خود باقی خواهند ماند و گرنه بلافاصله از کار برکنار می‌شوند زیرا فرمانروایان جز با اصلاح کار مردم، حق زمامداری ندارند.

علی (ع) و قتیبه بخلافت رسید با اینکه منتخب خدا و پیامبر و مردم مسلمان بود فرمود:

«ایها الناس، انما انا و احد منکم لی مالکم و علی ما علیکم و الحق لایبطله شیء» (۲)

مردم امن فردی هستم از شما، همان حقی را دارم که شما دارید و حق را هیچ چیزی نمی‌تواند از بین ببرد.

آری امیرمؤمنان علی (ع) آنچنان برای افکار مردم مسلمان ارزش قائل بود که هر گاه می‌خواست یکی از شهرها، استاندار یا فرمانداری بفرستد عهدنامه‌ای به او می‌سپرد که متن آن را برای مردم قرائت کند، هر

گاه مردم او را بعد از قرابت عهد نامه به عنوان حاکم خود می‌پذیرفته آن عهدنامه در واقع پیمان و قراردادی بود بین او مردم و دیگر حاکم حق نداشت از مواد و مضمون آن تخلف نماید و اگر احیاناً با مواد آن مخالفت میکرد بلافاصله از کار برکنار می‌شد.

و نیز از سخنان علی (ع) که با تأکید فراوان به فرمانداران خود می‌فرمود این جمله است: «فان ولوک فی عاقبة و اجمعوا علیک بالرضا، فقم فی امرهم و ان اختلفوا علیک فدعهم و ما هم فیہ» (۳)

اگر تو را بالاتفاق و بدون ناراحتی به فرمانداری خود برگزیدند، در آنجا بمان و بکار آنها رسیدگی کن ولی اگر درباره شما اختلاف کردند آنان را بحال خود رها کن و برگردد.

امیرمؤمنان علی (ع) که نمونه و الگوی امیر و حاکم اسلامی است، پیوسته ب مردم گوشزد میکرد که آنان آزادی سیاسی و حق قانونی دارند که حاکم و اعضاء دولت را همیشه تحت نظارت و مراقبت داشته باشند و خاطر نشان می‌ساخت که منشاء و منبع این قدرت خود مردم هستند، فرمانداران جز باصلاح کار مردم، حق زمامداری ندارند.

۲- الامام علی: جرج جردان ج ۲۹۹۲

(۳) الامام علی: صوت العدالة الانسانیة: جرج جردان ج ۲۹۹۲ طبع بیروت

میفرمود: **افضل قره عين الولاية**
استقامة العدل في البلاد و ظهور
مودة الرعيه و انه لا تظهر مودتهم
الا بسلامة صدورهم و لاتصح
نصيحتهم الا بقله استئصال دولهم» (۱)
 یعنی: بهترین چشم روشنی حاکمان
 و فرمانروایان، برقراری عدالت در کشور
 و آشکار شدن دوستی ملت است و البته
 بدون شك ملت وقتی مهر و دوستی خود
 را ظاهر می سازد که کینه ای در دل نداشته
 باشند و آن وقت خیر خواه دولت خواهند
 بود که دولتشان را باری سنگین بردوش
 نینند!
 بنابراین در حکومت اسلامی، حاکم و

زمانمدار « مردم سالار » است نه « خود
 سالار ». زیرا اولاً - برگزیده خودملت
 است .
 ثانیاً - پیوسته می کوشد تا پیروان خود
 را به همکاری و هم اندیشی برانگیزد و راه
 حل های لازم را از خلال پیشنهادهای آنان
 کشف کرده بکار می بندد .
 ثالثاً - در اثر خومت و مهربانی بمردم،
 حسن ظن آنان را نسبت بخود و دولت
 جلب کرده و ملت او را نسبت بخود همچون
 پدر مهربان و دلسوز میدانند علی (ع) :
فرمود: « الحاکم والد و الناس
ابناءه »
 حاکم بمثابة پدر و مردم فرزندان او
 هستند .

(۱) الامام علی ، ج ۲ / ۲۹۹

پنجمه از صفحه ۲۳

وجود آورد در چنین شرایط خطیر که هنوز
 فریاد هزاران شهید بخون خفته در گوشها
 طنین انداز است و در راه اسلام و اهداف
 اسلامی شجاعانه و عاشقانه شربت شهادت
 نوشیدند .
 بازیگران این صحنه های نازیبا باید
 بدانند که دیگر این انقلاب با انقلابهای
 پیشین تفاوت محسوسی دارد و آن اسلامی
 بودن آنست با این تلاشهای مذبوحانه
 هیچگاه تاب مقاومت در برابر این نهضت
 مقدس را نداشته و ندارند وضع موجود بیاری
 خداوند در هم کوبنده ستمگران و بافدا -

کاری ملت قهرمان و هشیار هرگز بوضع
 طاغوتی سابق قابل انعطاف و برگشت
 نمی باشد .
 استعمارگران شرق و غرب و سرسپردگان
 داخلی آنگاه می توانند مقاصد غارتگرانه
 خود را جامه عمل بپوشانند که از روی تک
 تک اجساد ۳۵ میلیون افراد جانپایز این سر -
 زمین بگذرند که این آرزو را با خود بگور
 خواهند برد و بطلب حق سرزمین تشیع مدفن
 امپریالیستها و مکاتب آنها بوده و اسلام
 عزیز در جهان پیروز خواهد گردید و مقدمات
 حکومت جهانی واحد تحت لوای اسلام
 جلوه گری خواهد کرد .